

مقدمه

در میان ابعاد گوناگون دین، پرستش خداوند نقش اساسی دارد. بدون تردید، یکی از مهم‌ترین جلوه‌های عبادت، دعا و رازونیز با خالق هستی است. موضوع دعا همواره کانون توجه دانشمندان حوزه‌های گوناگون دانش تجربی، به‌ویژه روان‌شناسی است و از جنبه‌هایی مانند ارتباط با بهداشت و سلامت روان، ایجاد آرامش در افراد و نیز چگونگی تحول فهم آن مطالعه شده است (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۲). بر پایه مفروض روان‌شناسان تحولی، شکل‌گیری مفاهیم دینی، تدریجی و از راه تحول عوامل شناختی، اجتماعی و فردی صورت می‌گیرد (نوذری، ۱۳۸۸).

سابقه پژوهش درباره تحول دینی و مراحل آن در قلمرو مطالعات دینی با روش تجربی و از منظر روان‌شناسی تحولی، نزدیک به هفتاد سال پیش از این می‌رسد. تقریباً از سال ۱۹۹۵ به‌گونه‌ای چشمگیر بر شمار آنها افزوده شده است (همان). نظریه‌هایی که در این قلمرو عرضه شده، توصیف‌ها و تبیین‌های گوناگونی از تحول دینی در طول دوره کودکی، نوجوانی، جوانی و بزرگسالی به‌دست داده است. از یک نگاه، این نظریه‌ها را می‌توان به دو رویکرد جامعه‌پذیری و شناختی تقسیم کرد. در رویکرد جامعه‌پذیری فرض بر این است که کودک و نوجوان از طریق والدین و نهادها و سازمان‌های دینی به‌طور انتقال یک‌سویه یا تبادلی دیندار می‌شوند؛ اما رویکرد شناختی عمدتاً بر درک مفاهیم دینی و تفکر درباره مفاهیم متمرکز شده است. از این‌رو، رویکرد شناختی در مقایسه با رویکرد جامعه‌پذیری، مراحل فهم مفاهیم دینی و ارائه برنامه برای آموزش را تعیین می‌کند.

تحول فهم اجابت دعا

مفهوم اجابت دعا و شکل‌گیری مراحل تحولی آن در برخی پژوهش‌ها بررسی شده است. برای نمونه، نتایج مطالعات گلدمن (۱۹۶۴) بر روی کودکان شش تا شانزده سال نشان می‌دهد که تقریباً همه کودکان آزمایش‌شده به این پرسش که «آیا آنچه کودکان در دعا طلب می‌کنند، اصلاً محقق می‌شود؟» پاسخ مثبت دادند. وی بر اساس بررسی تبیین‌های کودکان درباره چگونگی آگاهی آنان از اجابت دعا، بر آن است که ویژگی تفکر کودکان تا سن نه سالگی، مرحله جادویی است. این مرحله بازتاب چیزی است که وی آن را مفاهیم جادویی می‌داند. بر اساس این گفته نتایج مادی دعا با واسطه قدرتی جادویی بروز می‌کند. مراحل بعدی نشان‌دهنده کاهش تدریجی تفکر جادویی و افزایش مفاهیم عقلانی‌تر و تعقل ایمان‌بنیاد است.

گلدمن در بررسی پاسخ‌های کودکان درباره اجابت دعا می‌نویسد: «به نظر می‌رسد بچه‌ها عبادت و

تحول مفهوم اجابت دعا در کودکان و نوجوانان

سیدمحمدرضا موسوی نسب* / علی عسکری** / عباسعلی شاملی***

چکیده

هدف از پژوهش پیش‌روی تبیین مراحل و محتوای تحول مفهوم اجابت دعا در کودکان و نوجوانان است که با تأکید بر منابع و متون اسلامی و بر اساس یک طرح مقطعی، در گروهی نمونه و با حجم ۱۵۷ نفری از دانش‌آموزان (۸۲ دختر و ۷۵ پسر) شش تا هفده ساله شهر قم انجام شد. گفتنی است این دانش‌آموزان با روش خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شده بودند. داده‌ها بر پایه روش بالینی و با مصاحبه انفرادی نیمه‌ساخت‌یافته گردآوری شده بود و پرسش‌های آن بر اساس مبانی تجربی و نظری مفاهیم دینی تدوین و به‌دست متخصصان روان‌شناختی و حوزوی (مجموعاً پنج نفر) نمره‌گذاری شد. تحلیل محتوای متن مصاحبه‌ها و اجرای تحلیل واریانس نشان داد که فهم اجابت دعا شامل پنج مرحله پاسخ‌های مبهم، ویژگی‌های دعاکننده، ویژگی‌های محتوایی دعا، مفاهیم ارزشی و مذهبی و تحلیل‌های مذهبی - عقلانی می‌شود. مراحل تحولی آن در چهار گروه سنی ۶-۷، ۸-۱۱، ۱۲-۱۴ و ۱۵-۱۷ سال قرار دارد که با افزایش سن، میزان فهم اجابت دعا نیز افزایش می‌یابد. یافته‌ها با توجه به مبانی نظری و تجربی فهم مفاهیم دینی و مقایسه با دیگر طبقه‌بندی‌های تحولی بحث شده‌اند. کلید واژه‌ها: دعا، اجابت دعا، تحول مفاهیم دینی، کودکی و نوجوانی.

دعا را به گونه‌ای اثربخش و مفید به حساب می‌آورند. در غیر این صورت، خود را درگیر آن نمی‌کنند. فقط شمار اندکی از کودکان که در سن پایین قرار داشته و هیچ‌گونه ایده واقع‌گرایانه در مورد دعا نداشتند در پاسخ به پرسش بالا پاسخ منفی دادند» (گلدمن، ۱۹۶۴، ص ۱۲۲-۲۲۲).

برای بررسی و فهم این مطلب که چرا برخی دعاها مؤثرترند، کودکان این پرسش را نیز پاسخ دادند که بچه‌ها چگونه می‌فهمند دعایشان محقق خواهد شد؟ مطالب آنان را برای کشف معنای حقیقی و نهفته در پاسخ‌ها با پرسش‌های تکمیلی بررسی کردیم. برای مثال، یک پاسخ طرفدار این بود که «افراد مریض بعد از آنکه برایشان دعا شد بهبود یافتند». این‌گونه پاسخ‌ها با این پرسش کامل می‌شد که «ما چگونه بفهمیم دکتر آن شخص را سالم کرد یا خداوند؟».

بررسی‌ها نشان داد که فهم اجابت دعا چهار مرحله دارد که ادراکی و مفهومی‌اند: مرحله نخست، ادعای اعتماد بی‌واسطه به خدا و نتایج مادی‌گرایانه‌ای است که قدرت جادویی آن را ظاهر می‌کند؛ مرحله دوم، مرحله نیم‌جادویی؛ مرحله سوم، مبتنی بر بحث‌های منطقی و اصولی است که در این مرحله تأکید ویژه بر نتایج معنوی به‌دست‌آمده در شخص دعاکننده قرار دارد؛ سرانجام در مرحله چهارم، هیچ‌گونه دانش مشخص مربوط به اثربخشی دعا دسترس نیست و فقط احتمالات عقلی یا ایمانی و اعتقادات استوار مبنا قرار می‌گیرد. هرچند به اعتقاد گلدمن (۱۹۶۴) فقط در حدود یک ششم آزمودنی‌ها به مرحله چهارم یعنی مرحله تأکید بر ایمان و اینکه هیچ‌کس واقعیت را به‌درستی نمی‌داند، دست می‌یابند (همان).

با بررسی این پرسش که آیا ممکن است برخی دعاها واقعیت نیابند، سه مرحله (طبقه) مشخص تفکر به‌دست می‌آید: نخست، مرحله مفهومی خلقی که اجابت نشدن دعا را ناشی از رفتار بچه‌گانه، شیطانی و نیز شیوه نادرست دعا می‌داند؛ دوم، مرحله نیمه‌اخلاقی که اجابت نشدن دعا را سبب حرص و طمع خودخواهانه، مادی‌گرایانه و احمقانه بودن دعا می‌شمارد؛ سوم، مرحله فهم معنوی و مذهبی که ملاحظات معنوی بیشتر در پاسخ‌ها دیده می‌شود؛ زیرا، پاسخ‌دهندگان برآورده نشدن دعا را به سبب تأخیر در اجابت دعا، باور و اعتقاد درست نداشتن به ذات حق، لازم و مناسب نبودن، صادقانه نبودن و نیز بر اثر نبود اعتقاد راسخ در دعا کردن می‌دانند (همان). بررسی انتقادی یافته‌های گلدمن نشان می‌دهد که وی داده‌ها را به‌صورت استقرایی بررسی کرده است و به گزارش فراوانی داده‌ها اکتفا کرده است (الکیند، ۱۹۶۷، ۱۰۹-۱۰۱).

نتایج پژوهش‌های لانگ، الکانیند و اسپیلکا (۱۹۶۷)، در بررسی این پرسش که در صورت پاسخ ندادن

به دعا چه باید کرد؟ این واقعیت را روشن ساخت که همیشه دعاها پاسخ خود را دریافت نمی‌کنند. بچه‌های کوچک‌تر از پاسخ نیافتن دعاها بیش از بزرگ‌ترها نگران می‌شوند و واکنش‌هایی همچون عصبانیت از خدا یا گریه کردن را از خود نشان می‌دهند. پاسخ‌های بزرگ‌ترها فلسفی‌تر و از تسلیم و رضایت و شکیبایی بیشتری حکایت دارد؛ یعنی با افزایش سن، دعاها عینی‌تر و ذهنی‌تر می‌شود.

اما به اعتقاد وولی و فلیس (۲۰۰۱) کودکان سه‌ساله، دیدگاهی کلی درباره دعا دارند که مبتنی بر مؤثر افتادن آن است. اما حس آنان درباره احتمال مؤثر افتادن دعاها خود بسیار ضعیف است؛ همچنین مضمون دعاهایشان به نسبت بصیرت ندارد و بیشتر انواع دعا را پذیرفتنی و مؤثر می‌دانند. این کودکان در مقایسه با ابعاد ذهنی (فکر کردن) و مؤلفه‌های مادی دعا همچون بستن چشم‌ها، به هم چفت کردن دست‌ها، هماهنگ‌تر عمل می‌کنند. با وجود این، درباره بسیاری از مفاهیم اولیه، مانند آنچه در گروه‌های سنی کم‌سال‌تر مشاهده می‌شود، یعنی با توجه به شمار بیشتر ادعاهای ناظر به لزوم انجام دعا در اماکن یا زمان‌های خاص، و نه در هر زمان ممکن، برداشت کودکان از دعا با توجه به انعطاف‌پذیری آن بسیار محدود است. کودکان بزرگ‌سال‌تر درک می‌کردند که مضمون دعا مهم است؛ یعنی متوجه‌اند که دعا کردن برای آبنبات یا برای آسیب دیدن کسی پذیرفتنی نیست.

افزون بر این، کودکان پنج سال هنوز چندان به کارآمدی دعاها خود اعتماد ندارند و درعین حال مانند کودکان کم‌سال‌تر، معتقدند که دعاها به‌طور کلی کارآمدند. در این سن، می‌توان نخستین تمایزها را میان دعاها خوب و بد مشاهده کرد. البته پنج سالگی نخستین سنی است که در آن می‌توان با درک روشنی از اینکه عمل دعا کردن متضمن فکر کردن درباره چیزی است، روبه‌رو شد. اما فکر کردن هنوز هم مهم‌تر از وجود لوازم مادی آن تلقی نمی‌شود. در این سن، درباره اینکه دعا کردن می‌تواند در هر جایی انجام گیرد، برداشت کودکان انعطاف‌پذیرتر می‌شود. سرانجام در شش سالگی، کودکان درباره دعاها خود داورى کرده، آنها را ابزاری مؤثر برای تغییر واقعیت می‌دانند و می‌پذیرند که دعاها بد کارآمدی ندارند. کودکان هفت‌ساله به اهمیت بیشتر فکر کردن درباره لوازم مادی مربوط به دعا پی می‌برند و در هشت‌سالگی این تمایز به حد معنادار آمارى می‌رسد (وولی و فلیس، ۲۰۰۱، ص ۱۳۶).

مفهوم دعا و اجابت آن از دیدگاه اسلام

دعا از ریشه دَعَوَ به معنای خواندن است که گاه از آن مطلق خواندن منظور است (قریشی، ۱۳۶۱، ج ۲، ص ۳۴۴). جامع‌ترین تعریف برای دعا همان طلب به معنای عام است که شامل طلب مافوق از

زیردست یا زیردست از مافوق و یا مساوی از مساوی است (ممدوحی، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۱۳). دعا در اصطلاح عبارت است از: «ارتباطی آگاهانه و خاضعانه با خداوند که با نوعی از تمجید یا سپاس یا درخواست (نیازی مادی فردی و اجتماعی تا نیازی معنوی و فطری) همراه است چه با زبان سر و چه با زبان دل» (موسوی‌نسب، ۱۳۹۰).

خداوند سبحان بر اساس وعده‌اش که در قرآن دعای دعاکننده را اجابت می‌کند و می‌فرماید: «ادعونی أستجب لکم» (غافر: ۶۰)؛ مرا بخوانید تا اجابت کنم شما را. قطعاً خداوند به وعده خود عمل می‌کند: «وَمَنْ أَوْفَىٰ بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ» (توبه: ۱۱۱). اما پرسش این است که چرا برخی دعاها برآورده نمی‌شود؟ با بررسی پاسخ‌های گوناگونی که به این پرسش و دیگر پرسش‌های مربوط به آن در بسیاری از پژوهش‌های مبانی فهم دعا و اجابت آنها و تدوین مراحل تحول آن در دیدگاه‌های گوناگون شده است و نیز با مرور مبانی دینی و متون اسلامی، می‌توان برخی عوامل درک اجابت یا عدم اجابت دعا را به شرح زیر بیان کرد:

۱. ناشایستگی دعاکننده

ناشایستگی و بی‌توجهی دعاکننده می‌تواند عاملی برای اجابت نشدن دعا باشد که برخی از مهم‌ترین عوامل ناشایستگی عبارت است از:

گناه کاری: گناهان درخواست‌کننده یکی از عوامل برآورده نشدن دعای اوست. در روایات بدین موضوع با تعبیرهای گوناگونی اشاره شده است. حضرت علی علیه السلام گناه را عامل عدم اجابت دعا معرفی می‌کند و می‌فرماید: «خدایا آن گناهانی که دعا را محبوس می‌کنند، بر من ببخش» (قمی، ۱۳۷۸، ص ۱۰۱). امام زین‌العابدین علیه السلام نیز هفت گناه را از مانع اجابت دعا می‌داند که شامل نیت بد، خبث باطن، دورویی و نفاق با مؤمنان، باور نداشتن به اجابت دعا، نخواندن نماز اول وقت، ترک احسان و انفاق، و به‌کارگیری کلمات زشت و آلوده کردن زبان به فحش و ناسزا (حرام‌املی، بی‌تا، ج ۱۶، ص ۲۸۱، ح ۲۱۵۵۶). این روایت و بسیاری از روایات دیگر عملکرد افراد را مهم‌ترین عامل برآورده نشدن دعا معرفی می‌کند؛

کوتاهی در عمل: برآورده شدن دعا مشروط به فعالیت و تلاش دعاکننده است و تا زمانی که انسان حرکت نکند و از اسباب عادی که خداوند قرار داده است، بهره نبرد به نتیجه نمی‌رسد. به فرمایش حضرت علی علیه السلام «دعاکننده بدون عمل و تلاش، مانند تیرانداز بدون زه است» (همان، ج ۷، ص ۶۴۵، ح ۶۷)؛

۲. نامناسب بودن محتوای درخواست

گاه برآورده نشدن دعا به سبب نامناسب بودن محتوا و یا درخواست داعی است که می‌تواند موجب مردود شدن محتوای دعا شود؛ زیرا برخی دعاها مردود بوده، برآورده‌شدنی نیستند. برای دعاهای مردود مصادیق زیر طرح می‌شود:

الف) ناسازگاری دعا با سنت‌های الهی

بر اساس جهان‌بینی اسلامی، عالم هستی جهان اسباب و مسببات و علت و معلول است. طبق این سنت الهی و قانون ثابت ازلی، در سراسر نظام آفرینش، هر پدیده، عمل و شیوه تفکر، تنها از راه علل و اسباب خاص خود پدید می‌آید. به بیان امام صادق علیه السلام «خدای بزرگ نپذیرفته جز آنکه همه چیز از طریق اسباب انجام یابد، پس برای هر چیزی سببی قرار داده است» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۶، ص ۱۸۳). بر این اساس خداوند متعال، فیوضات و عنایات خاص خود را فقط از مجاری و اسباب خویش محقق می‌سازد. گاه افراد با بی‌توجهی و بی‌آگاهی دعاهایی می‌کنند که از نظر حفظ نظام عالم عملی نیست.

ب) زیاده‌خواهی در دعا

در برخی دعاها چشم‌داشت‌های بیجا و نامناسبی مطرح می‌شود؛ خواستن چیزی ناممکن و خلاف شرع مقدس، برآورده‌شدنی نیست. در این باره، حضرت معصوم علیه السلام می‌فرماید که هیچ دعاکننده‌ای از خداوند، بیش از قدر، منزلت و ارزش خود تقاضا نکند؛ زیرا چنین انسانی که تقاضای بیجا و بیش از اندازه جایگاه خود می‌کند شایسته محروم شدن است، به آن دعا دست نمی‌یابد و آن دعا از وی پذیرفته نمی‌شود.

ج) بی‌توجهی به لازمه دعا

گاهی انسان دعاهایی دارد که از فهم و درک واقعیت آن ناآگاه است و اگر تحقق یابد سبب نگرانی‌اش می‌شود. حضرت علی علیه السلام در راهنمایی فردی که برای دوست خود از خداوند خواسته بود هیچ نامالیم و مکروهی برای او پیش نیاید فرمودند: «شما برای دوست مرگ را دعا کرده‌ای؛ زیرا تا انسان در دنیا زندگی می‌کند به‌ناچار باید دچار نامالیمات و مکروهات شود (ابن‌الحدید، ۱۴۰۴، ج ۲۰، ص ۲۸۹).

۳. پاسخ‌های ارزش‌گرایانه و دینی

از مجموعه روایات بیان‌شده درباره دعا استفاده می‌شود که همه دعاها برآورده می‌شود، اما در توجیه چگونه اجابت‌شدن دعا برداشت‌های گوناگونی وجود دارد که در زیر به برخی آنها اشاره می‌شود:

الف) خداخوانی و خداخواهی

خداوند سبحان می‌فرماید: «و پروردگارت چنین فرمود: مرا بخوانید اجابت می‌کنم شما را» (غافر: ۶۰). برآورده شدن دعا با دو شرط، قطعی است؛ نخست اینکه انسان در دعا کردن فقط به خداوند توجه داشته باشد و از هر چیز دیگر قطع امید کرده باشد، و دیگر اینکه از خداوند، فقط خود او را بخواد. احتمال دارد که مقصود از اجابت در این آیه، توجه و استماع دعا باشد؛ یعنی دعا فوراً شنیده و به آن توجه می‌شود.

ب) توفیق دعا

همین که بنده‌ای توفیق یافته با خالق خود سخن بگوید و خداوند این اجازه را به او داده، خود گونه‌ای، برآورده شدن دعاست. درحقیقت، خود توفیق دعا کردن، اوج عبودیت، بندگی و نشانه لطف و عنایت حضرت حق به انسان است و الطاف و رحمت‌های بزرگ‌تری را در پی دارد. دعا با چشم پوشی از اجابت آن، فضیلتی بس بزرگ شمرده می‌شود. توفیق فراوان در آنجاست که خدای متعال در نخستین مراحل گرفتاری، بنده خود را موفق به دعا کند.

ج) برآورده شدن درخواست با تأخیر

نباید انتظار داشت دعا فوری برآورده شود. پس از دعا باید برای تغییر در عمق افکار و طبیعت آماده شد. لازم نیست اجابت دعا سریع باشد و ممکن است دعا استجاب شده، ولی ظهور آن بسیار با تأخیر باشد. سبب این تأخیر نیز می‌تواند گوناگون باشد. گاهی تأخیر برای آن است که بنده بیشتر مناجات کند تا روح بندگی در او رشد کند و از خودپسندی و تکبر دور ماند. گاهی اجابت دعا به تأخیر می‌افتد و بدین ترتیب خداوند پاداش بیشتری به بنده می‌دهد. گاه نیز تأخیر برای آن است که بنده با انابه و گریه، از گناهایی که انجام داده است پاک شود. در مواردی نیز گفته می‌شود که اگر دعا در این دنیا برآورده نشود، خداوند برای دعاکننده در آخرت پاداش‌های بسیاری در نظر گرفته است که بدل این دعاها به او خواهد داد.

حضرت علی علیه السلام خطاب به فرزند خود می‌نویسند:

از تأخیر اجابت دعا ناامید مباش، زیرا بخشش الهی به اندازه نیت است. گاه در اجابت دعا تأخیر می‌شود تا پاداش درخواست‌کننده بیشتر و جزای آرزومند کامل‌تر شود. گاهی درخواست می‌کنی اما پاسخ داده نمی‌شود؛ زیرا بهتر از آنچه خواستی به زودی یا در وقت مشخص به تو خواهد بخشید یا به جهت اعطای بهتر از آنچه خواستی، دعا به اجابت نمی‌رسد؛ زیرا چه بسا خواسته‌هایی داری که

اگر داده شود مایه هلاکت دین تو خواهد بود، پس خواسته‌های تو به گونه‌ای باشد که جمال و زیبایی تو را تأمین و رنج و سختی را از تو دور کند. نه مال دنیا برای تو پایدار و نه تو برای مال دنیا باقی خواهی ماند (نهج البلاغه، ۱۳۷۳، نامه ۳۱، ص ۳۹۲).

د) مصلحت نبودن

وعده خداوند مشروط به مشیت، مصلحت و خیر بودن برای دعاکننده است؛ زیرا خدای حکیم به دلخواه بندگان از آنچه خیر و صلاح آنهاست دست برنمی‌دارد. گاهی برآورده شدن حاجت شخص، به مصلحت و سود وی نیست و صلاح او در نپذیرفتن آن دعاست. «بسا چیزی را خوش نمی‌دارید و حال آنکه برای شما خوب است و بسا چیزی را دوست می‌دارید و آن برای شما بد است؛ خدا می‌داند و شما نمی‌دانید» (بقره: ۲۱۶). در چنین حالتی به ظاهر حاجت شخص برآورده نمی‌شود، اما این به سود و صلاح اوست، هرچند بشر از درک حکمت آن ناتوان باشد. بنابراین ممکن است اجابت نشدن دعا به سبب دعای ناخوشایند باشد؛ ولی درواقع خیر، برکت و سود فراوانی بر آن مترتب باشد. در این مرحله پاسخ‌ها می‌توانند فقط جنبه تعبدی داشته، بر اساس گزاره‌های دینی به دست داده شوند. افزون بر این برای پاسخ‌های عرضه شده توجیحات عقلانی و انتزاعی نیز درخور ارائه است که نمود کامل‌تری از این دست پاسخ‌هاست.

با توجه به آنچه اشاره شد، می‌توان ناشایستگی درخواست‌کننده، نامناسب بودن محتوای دعا و درخواست بنده را عامل برآورده نشدن دعا دانست. در مواردی نیز برآورده نشدن دعا با توجه به آموزه‌های دینی توجیه‌پذیر است که نمود کامل آن همراهی پاسخ‌ها با توجیحات عقلانی و استدلالی است.

با توجه به اینکه تحول مفاهیم دینی به‌ویژه فهم دعا و اجابت آن به ساختارهای فرهنگی و دینی بسیار وابسته است و نیز با در نظر گرفتن تنوع و در برخی موارد تناقض‌هایی که در تبیین مراحل تحول دوره‌های سنی و نیز محتوای مربوط به آنها وجود دارد، و نیز مبتنی بودن درک این مفاهیم به آموزه‌های دینی و نوع آموزش‌هایی که در جامعه اسلامی است، این مسئله اساسی شکل می‌گیرد که تحول فهم اجابت یا عدم اجابت دعا در کودکان مسلمان ایران چه مراحل دارد. در پژوهش پیش‌روی می‌کوشیم مراحل فهم کودکان و نوجوانان از اجابت دعا و نیز تفاوت‌ها یا شباهت‌های احتمالی میان گروه‌های مختلف سنی را تبیین و نتایج آن را با دیگر تبیین‌های تحولی در این‌باره مقایسه کنیم.

روش پژوهش

برپایه مطالعات تحولی و بر اساس یک طرح تحقیق مقطعی، از جامعه دانش‌آموزان دختر و پسر شش تا هفده ساله مدارس عادی و نیز مدارس مبتنی بر آموزش‌های تربیتی و دینی ویژه شهر قم، یک گروه نمونه انتخاب شدند که شامل ۱۵۷ (۸۲ دختر و ۷۵ پسر) دانش‌آموز با روش خوشه‌ای چندمرحله‌ای است.

ابزار پژوهش

با توجه به ماهیت تحولی مطالعه پیش‌روی، گردآوری داده‌ها بر اساس روش بالینی و به‌کارگیری مصاحبه نیمه‌ساخت یافته انجام شد. برای ساماندهی و تدوین مصاحبه، نخست یافته‌های پژوهشی و مبانی نظری مربوط به تحول اجابت دعا، بررسی و بر اساس پرسش‌های اصلی مصاحبه طراحی شد (جدول ۱).

جدول (۱) پرسش‌های مصاحبه برای ارزیابی اجابت دعا

شماره	سؤال	شماره	سؤال
۱	آیا هر چیزی که از خدا بخواهیم و برای اون دعا کنیم به دست می‌آید؟	۵	چه کار کنیم از دعا کردن نتیجه بگیریم؟
۲	چرا بعضی دعاها برآورده نمی‌شن؟	۶	چه کارهایی انجام دهیم دعای ما برآورده نمی‌شه؟
۳	اینکه می‌گی دعا فایده داره از کجا می‌گی؟ چه فایده‌هایی؟	۷	مصلحت باشه برآورده می‌شه یعنی چه؟ مصلحت از کجا است؟
۴	اگر کسی از شما بخواد دعا کردن را به او یاد بدید چه کاری برای او می‌کنی؟	۸	می‌شه دعا کرد برای مادر بزرگی که دندان ندره دندان در بیاره؟ چرا؟

مصاحبه‌ها انفرادی اجرا و صداها ضبط می‌شد. هر مصاحبه به‌طور متوسط حدود چهل دقیقه طول می‌کشید. پس از پیاده شدن نوارهای صوتی مصاحبه‌ها، پژوهشگر و چهار متخصص روان‌شناسی و آشنا به مفاهیم دینی (در سطح دکتری و دانشجوی دکتری) به‌گونه‌ای مستقل متن را تحلیل و بر اساس یک مقیاس امتیازی بدین‌گونه درجه‌بندی کردند.

نمره ۰: پاسخ نمی‌دانم و یا پاسخ‌های مبهم؛

نمره ۱: ارتباط با ویژگی‌های دعاکننده؛

نمره ۲: ارتباط با ویژگی‌های محتوایی دعا؛

نمره ۳: ارتباط با مفاهیم ارزشی و مذهبی؛

نمره ۴: ارتباط با تحلیل‌های مذهبی - عقلانی.

مراحل مطرح‌شده برای هر مؤلفه، نمونه‌ها و مصادیق آنها در دوره‌های سنی مختلف ارائه شد. بدین ترتیب، افزون بر گردآوری شواهدی برای مستندسازی، درک جامع‌تری نیز از مؤلفه‌ها و شواهد مربوط به روایی نمره‌گذاری و طبقه‌بندی‌ها به‌دست آمد.

برای اطمینان به ضریب اعتبار درجه‌بندی‌کنندگان (نمره‌گذاران)، از روش هم‌بستگی درون‌طبقه‌ای (Intra class correlation (ICC)) ضریب اندازه واحد استفاده شد. این روش برای بررسی اعتبار میان دو یا چند درجه‌بندی‌کننده در مواقعی به‌کار می‌رود که مقیاس نمره‌گذاری فاصله‌ای یا طبقه‌ای مرتب شده باشد. افزون بر این، هم‌بستگی درون‌طبقه‌ای به‌عنوان نسبت واریانس بین گروه‌ها به واریانس کل در نظر گرفته می‌شود. نتایج نشان داد ضریب اندازه واحد برای اجابت دعا، که بیانگر اعتبار درجه‌بندی یک داور واحد است، با ۰/۶۷ برابر است که نشان می‌دهد همگونی نمره‌ها در هریک از درجه بندی کننده‌گان به نسبت مطلوب است و از نظر آماری در سطح کمتر از ۰/۰۰۰۱ معنادار است.

جدول (۲) ضریب همبستگی میان طبقه‌ای اجابت دعا

اجابت دعا	ضریب اعتبار اندازه واحد	ضریب اعتبار اندازه متوسط	حد پایین	حد بالا	p
	۰/۶۷	۰/۹۱	۰/۶۱	۰/۸۳	۰/۰۰۰۱

مقدار ضریب اعتبار اندازه‌های متوسط، که در واقع نزدیک به ضریب آلفای کرونباخ و واحد تحلیل میانگین همه درجه‌ها یا نمره‌هاست، برای اجابت دعا برابر با ۰/۹۱ و از نظر آماری معنادار به‌دست آمد که نشان می‌دهد میان پنج داور، سطح بسیار بالایی از همگونی درونی وجود دارد. برای بررسی روایی مصاحبه و طبقه‌های پنج‌گانه تحلیل اجابت دعا، از تحلیل عاملی تأییدی استفاده و ساختار پنج‌عاملی آن تأیید شد.

روش تحلیل داده‌ها

برای تحلیل داده‌ها از دو روش کیفی و کمی استفاده شده است. در تحلیل کیفی داده‌ها، با استفاده از روش تحلیل محتوا، متن مصاحبه‌ها را تحلیل و مقوله‌بندی کرده، سپس پاسخ‌های آزمودنی با مقوله‌ها و مؤلفه‌ها انطباق داده شد. در بخش تحلیل کمی، افزون بر به‌کارگیری شاخص‌های آمار توصیفی مانند فراوانی، میزان پاسخ‌ها و تشکیل جدول متقاطع، از آزمون تحلیل واریانس نیز برای بررسی تفاوت میانگین مفاهیم تحولی در گروه‌های مختلف سنی و بررسی همگونی میانگین‌های گروه‌ها برای طبقه‌بندی آنها بررسی شد.

الف) یافته‌های کیفی

نتایج تحلیل کیفی و بررسی پیشینه پژوهش و نیز ساختار اجابت دعا در متون اسلامی به استخراج ۵ مقوله‌ای انجامید که ساختار، محتوا و مصادیق آن به قرار زیر است:

اول) پاسخ‌های مبهم

در این مرحله، مصاحبه‌شوندگان درک درستی از پرسش و به‌ویژه معنای مصلحت و اجابت دعا به‌دست نمی‌دهند. پاسخ‌ها معمولاً به‌صورت «نمی‌دانم» یا پاسخ‌های مبهم بیان می‌شود؛ برای نمونه: «... مصلحت نمی‌دونم چیه؟» (پسر، ۸ ساله)؛ «... مصلحت باشه یعنی خدا آرزومونو برآورده می‌کنه» (دختر ۶ ساله)؛ «... مصلحت یعنی خداوند یک لحظه فراموش کرده» (پسر، ۶ ساله)؛ «... مصلحت یعنی دروغی که آدم مجبوره بگه» (دختر، ۷ ساله).

دوم) ویژگی‌های دعاکننده (اخلاقی)

پاسخ‌هایی که در این مقوله قرار می‌گیرد، سبب اجابت نشدن دعا را به ویژگی‌های دعاکننده نسبت می‌دهد. برای نمونه، گاهی مشکلات اخلاقی دعاکننده عامل برآورده نشدن دعاست: «... اگه آدمای بد دعا کنند، خدا جوابشون رو نمی‌ده» (دختر، ۶ ساله). بنابراین، خوب بودن دعاکننده در برآورده شدن دعا مؤثر خواهد بود: «... اگه آدم خوبی باشد، بله؛ اگر آدم بدی باشه، نه» (پسر، ۸ ساله). افزون بر این، رفتارهای نامناسب یا رعایت نکردن شروط دعا نیز می‌تواند عامل برآورده نشدن دعا باشد، «... اگه قلیون بکشن، سیگاری‌اند، کراک می‌کشن» (دختر، ۶ ساله) در این سن کمتر تعبیر گناه کردن به‌کار برده شده است.

سوم) ویژگی‌های محتوایی

در این مرحله، عامل برآورده شدن یا نشدن دعا و ویژگی‌های محتوایی دعا یعنی نوع دعا و محتوای درخواست معرفی می‌شود. این ویژگی‌ها می‌تواند شامل توجه نکردن درست به شروط دعا کردن: «... شاید بلد نبودیم درست دعا کنیم» (دختر، ۶ ساله)؛ ناشدنی بودن چیزهایی که درخواست شده است: «... بعضی دعاها برآورده نمی‌شن چون بی‌خودی هستن، شاید دعا الکی باشه» (پسر، ۸ ساله)؛ مناسب نبودن محتوای دعا: «... دعاهایی که بد است اجابت نمی‌شه، مصلحت هم یعنی خداوند آن کار را نخواسته» (پسر، ۱۲ ساله)؛ «... برخی دعاها خوب نیستند؛ مثلاً دعا می‌کنیم نمایش اونا برنده نشه از ما بشه، دعای خوبی نیست» (پسر ۱۰ ساله). به اختیار، آزمودنی‌ها در این مرحله به محتوای دعا توجه دارد و بد بودن نامناسب بودن و غیرمنطقی بودن دعا را در برآورده نشدن دعا مؤثر می‌دانند.

چهارم) مفاهیم ارزشی و مذهبی

چهارمین مرحله، بیان مفاهیم ارزشی و مذهبی است. مصاحبه‌شوندگان در پاسخ به پرسش‌های چرایی

برآورده شدن یا نشدن دعا، برخی مفاهیم دینی و ارزشی را به‌کار می‌برند: «... مصلحت نیست، شاید خداوند پاداش بهتری به ما می‌دهد یا من ارتباطم با خداوند قطع است؛ خداوند دوست دارد صدای بنده‌اش را بشنود، می‌گم شاید من اثرش را نبینم، ولی قطعاً اثر دارد. گاهی دعا می‌کنم، فایده‌اش را بعداً می‌بینم» (دختر، ۱۴ ساله)؛ «... او همیشه گوش می‌دهد، گاهی هم جواب را دیر می‌دهند زیرا خداوند دوست دارد بیشتر با او راز و نیاز کند. معلوم می‌شه دوستش داره» (دختر، ۱۴ ساله)؛ «... اگر به خداوند خوش‌بین باشیم و به صلاح باشد برآورده می‌شه» (دختر، ۱۴ ساله).

برخی آزمودنی‌ها مصلحت را ظرفیت‌داشتن انسان یا تقدیر او می‌دانستند: «... صلاح بودن یعنی اگر ظرفیت باشد و مانع از پیشرفت نباشد، خداوند دعا را برآورده می‌کند» (پسر، ۱۴ ساله)؛ «... مصلحت یعنی هر انسانی تقدیری دارد تقدیر را می‌شه عوض کرد» (دختر، ۱۴ ساله) و برخی دیگر به سود و زیان نسبت داده‌اند: «... شاید به صلاح نیست که برآورده نمی‌شه، چیزهایی است که ما نمی‌تونیم درک کنیم، مصلحت را خداوند قرار داده، گاهی برآورده شدن دعا به ضرر است» (دختر، ۱۶ ساله).

بنابراین برای مصلحت چند معنا مطرح است که شامل خواست، علم و آینده‌نگری خداوند، قضا و تقدیر الهی و بی‌خبری انسان‌ها از صلاح و فساد، ظرفیت انسان و مناسب نبودن دعا و زیان آن برای انسان می‌شود. در به‌کارگیری مفاهیم دینی و ارزشی، برخی آزمودنی‌ها به نقش ایمان، نیت خالص و وجود شروط اجابت دعا اشاره کرده‌اند: «... اگر دعا به‌صلاح باشه و موقع دعا کردن» (دختر، ۱۴ ساله). بررسی محتوای پاسخ‌های این مرحله بیانگر آن است که پاسخ‌ها تحلیل‌های عقلی و استدلال‌های انتزاعی ندارند و بیشتر به محتوای روایات معصومین علیهم‌السلام متکی است، یعنی آزمودنی‌ها آنها را شنیده یا خوانده‌اند.

پنجم) مرحله تحلیل‌های مذهبی - عقلانی

در این مرحله پاسخ‌ها با استدلال‌های عقلی و توضیحات منسجم‌تر و مستدل‌تر درباره مصلحت همراه است. گاهی برآورده شدن یا نشدن دعا با توجه به رسیدن به کمال انسان تفسیر می‌شود: «... من انتظار ندارم چیزی که درخواست شده به‌زودی برسد. زندگی ما برای این است که با یاد خداوند کمال پیدا کنیم. گاهی کمال ما در برآورده نشدن دعاست» (دختر، ۱۶ ساله)؛ «... همه چیز به‌صلاح نیست. برخی دعاها اجابت نمی‌شه، یا مشکل از خود انسان است یا خداوند صلاح نمی‌داند؛ چون عالم به حال و سعادت ماست، ما هدفی داریم که رسیدن به کمال و قرب الهی است این مصلحت موقتی نیست باید عاقبت و مصلحت کلی عالم را در نظر گرفت. هرچه

بیشترین نمره برابر با ۱/۴ است، در حالی که این شاخص در گروه نه سال برابر با ۱/۲ به دست آمده است. بیشینه نمره در گروه‌های نه و ده سال (۳/۴)، بیشتر از گروه یازده سال (۳/۰) قرار دارد. با وجود این، نتایج بیانگر آن است که افزایش میانگین‌ها تا اندازه فراوانی از یک الگوی یکنواخت پیشرونده پیروی می‌کند. بدین معنا که با افزایش سن آزمودنی‌ها، میانگین نمره‌های اجابت دعا نیز افزایش می‌یابد. فقط میانگین در گروه سنی ده سال و پانزده سال تا اندازه کمی در مقایسه با گروه بعدی خود یعنی یازده سال (۲/۶، در مقابل ۲/۲۹) و گروه شانزده سال (۳/۵۴، در مقابل ۳/۴۷)، بزرگ‌تر است.

جدول (۳) مشخصه‌های آمار توصیفی، خلاصه آزمون تحلیل واریانس و مقابله پس تجربی شفه، نمره‌های مؤلفه اجابت دعا برای همه گروه‌های سنی

سن	میانگین	انحراف استاندارد	کمینه	بیشینه	آزمون شفه
۶	۱/۲۴	۰/۳۹	۰/۴	۱/۸	۱۷ تا ۹ >
۷	۱/۳۵	۰/۴۳	۰/۴	۱/۸	۱۷ تا ۹ >
۸	۱/۸۳	۰/۳۴	۱/۴	۲/۶	۱۷ تا ۱۰ >
۹	۲/۳۳	۰/۶۳	۱/۲	۳/۴	۱۷ تا ۱۳ > ۷، ۶ <
۱۰	۲/۶۰	۰/۴۷	۱/۸	۳/۴	۱۷ تا ۱۴ > ۸، ۷، ۶ <
۱۱	۲/۲۹	۰/۵۶	۱/۴	۳/۰	۱۷ تا ۱۴ > ۸، ۷، ۶ <
۱۲	۲/۹۲	۰/۳۷	۲/۲	۳/۴	۱۷ تا ۱۳ > ۸، ۷، ۶ <
۱۳	۳/۰۹	۰/۳۷	۲/۴	۳/۶	۹ تا ۶ <
۱۴	۳/۲۰	۰/۳۸	۲/۴	۳/۸	۹ تا ۶ <
۱۵	۳/۵۴	۰/۲۱	۳/۲	۳/۸	۱۱ تا ۶ <
۱۶	۳/۴۷	۰/۲۷	۳/۲	۴/۰	۱۱ تا ۶ <
۱۷	۳/۶۳	۰/۳۸	۳/۰	۴/۰	۱۱ تا ۶ <

توجه: $F(11, 145) = 04/03$ ، $P > 0/001$.

نتایج آزمون شفه برای مقایسه زوجی میانگین نشان می‌دهد که میانگین اجابت دعا در آزمودنی‌های نه ساله از آزمودنی‌های سیزده تا هفده سال کمتر، از آزمودنی‌های شش و هفت سال بیشتر و با آزمودنی‌های هشت و ده سال بدون تفاوت معنادار به دست آمده است.

گروه‌های سنی ده تا دوازده سال میانگین بیشتر و معناداری در مقایسه با گروه‌های سنی شش، هفت و هشت سال و میانگین کمتر و معناداری نسبت به گروه‌های سنی چهارده تا هفده سال دارند، اما در گروه دوازده سال این تفاوت میانگین با گروه چهارده سال معنادار نیست.

تعیین مراحل تحول فهم اجابت دعا: بررسی همگونی میانگین‌ها و انجام چندین بار تحلیل واریانس با طبقه‌بندی سنی گوناگون نشان داد که تقسیم به چهار گروه سنی، می‌تواند ساختار روشن‌تر و همگونی بیشتر میانگین‌ها را داشته باشد. بدین ترتیب، برای تحول اجابت دعا، طبقه‌بندی چهار گروه سنی (۶-۷، ۸-۱۱، ۱۲-۱۴ و ۱۵-۱۷) مناسب‌تر تشخیص داده شد. نتایج محاسبه‌ها برای این مؤلفه در (جدول ۴) نشان داده شده است.

خداوند بخواهد همان می‌شه؛ چون اراده الهی عین حکمت است، دعا می‌کنیم تا تحول در خود ما ایجاد شود. ما به کمال برسیم ظرفیت خود ما وسیع شود» (دختر، ۱۶ ساله)؛ «... شاید به صلاح نیست که برآورده نمی‌شه؛ چیزهایی است که ما نمی‌تونیم درک کنیم. مصلحت را خداوند قرار داده، برآورده شدن دعا به ضرر است» (دختر، ۱۶ ساله).

گاهی نیز نقش سنت‌های الهی در برآورده شدن دعاها مطرح می‌شود: «... نظام جهان طوری است که هر چیزی بر اساس سبب و اسباب است، هر چیزی باید در جای خودش رخ بدهد، باید علت آن رخ بده تا به وجود بیاد. مصلحت یعنی علتش نیست، تقصیر ماست که دعا برآورده نمیشه، باید تلاش کرد یاد خداوند هم دعاست» (دختر، ۱۷ ساله)؛ «... اگر این‌طور بود، زندگی معنا نداشت و همه چیز به هم می‌خورد» (پسر، ۱۳ ساله)؛ بعضی نیز به نقص انسان و کمال خداوند اشاره کرده‌اند: «... مصلحت یعنی ما انسان‌ها ظاهرین هستیم، آینده‌نگر نیستیم. گاهی چیزی از خداوند می‌خواهیم که اگر به ما بدهد به آلودگی کشیده می‌شیم، خداوند آگاه است و نمی‌دهد» (دختر، ۱۶ ساله).

با آنکه برخی آزمودنی‌ها تعابیر دینی و عرفانی را به کار می‌گیرند: «... هیچ دعایی نیست که برآورده نشود چون در دعا ما به دنبال ارتباط با خداوند هستیم و این حاصل شده است» (دختر، ۱۶ ساله)؛ برخی دیگر نقش عقیده و ایمان را مهم دانسته و مصلحت را بهانه توجیه رفتارها معرفی می‌کنند: «... بستگی دارد... عقیده باید محکم باشد، درصد اعتقاد خیلی مهم است. من به دعای خودم باور ندارم. مصلحت بهانه است هر اتفاقی می‌افتد برای اینکه راحت از کنارش رد شیم، می‌گیم مصلحت بود» (پسر، ۱۷ ساله). پاسخ‌های آزمودنی‌ها نشان می‌دهد که در این مرحله رسیدن به کمال و دوری از نقص‌ها و توجه به سنت‌ها و حکمت‌های الهی مهم است. توجه به مراحل مطرح شده بیان می‌کند که درک درست از اجابت دعا در کودکان و نوجوانان، با تحول‌شناختی آنان متحول شده و از مفاهیم ساده به تحلیل‌های پیچیده رو به پیشرفت نهاده است.

ب) یافته‌های کمی

مشخصه‌های آمار توصیفی نمره‌های مربوط به اجابت دعا، به تفکیک هر سن و نیز خلاصه آزمون تحلیل واریانس، برای بررسی تفاوت گروه‌ها و آزمون مقابله شفه برای مقایسه زوجی میانگین گروه‌ها در (جدول ۳) بازتاب یافته است. از یافته‌ها به دست می‌آید که میانگین نمره‌ها با افزایش سن، به گونه معناداری افزایش می‌یابد ($F(11, 145) = 04/03$ ، $P > 0/001$). اما کمینه و بیشینه نمره‌ها در میان گروه‌های سنی از الگوی یکنواخت افزایشی پیروی نمی‌کند. برای نمونه، در گروه سنی هشت سال

جدول (۴) مشخصه‌های آمار توصیفی، خلاصه آزمون‌های تحلیل واریانس و مقابله پس تجربی شفه، نمره‌های مؤلفه اجابت دعا برای چهار طبقه سنی همگون

گروه	دامنه سنی	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	کمینه	بیشینه	شفه
۱	۷-۶	۲۵	۱/۲۹	۰/۴۱	۰/۴	۱/۸	۴، ۳، ۲ >
۲	۱۱-۸	۵۲	۲/۲۵	۰/۵۷	۱/۲	۳/۴	۴، ۳، ۱ <
۳	۱۴-۱۲	۳۸	۳/۰۶	۰/۳۸	۲/۲	۳/۸	۴ >، ۱، ۲ <
۴	۱۷-۱۵	۴۲	۳/۵۴	۰/۲۸	۳/۰	۴/۰	۳، ۲، ۱ <

توجه: $F(۳، ۱۵۳) = ۱۳۶/۱۲$ ، $P > ۰/۰۰۱$.

چنان‌که در (جدول ۴) دیده می‌شود، نتایج آزمون تحلیل واریانس برای مقایسه میانگین‌های چهار طبقه سنی از لحاظ آماری معنادار است ($F(۳، ۱۵۳) = ۱۳۶/۱۲$ ، $P > ۰/۰۰۱$). بدین ترتیب که میانگین هر طبقه سنی از میانگین طبقه‌های سنی پس از خود کمتر و از میانگین طبقه‌های سنی پیش از خود به‌گونه معنادار بزرگتر است.

با آنکه میانگین‌های دو گروه سنی ۱۴-۱۲ سال ($۳/۰۶$) و ۱۷-۱۵ سال ($۳/۵۴$) از لحاظ آماری تفاوت معنادار دارد، اما تقریباً به هم نزدیک و در یک طبقه قرار دارد. بیشینه نمره گروه سنی ۱۴-۱۲ سال در حدود ۰/۲ کوچک‌تر از گروه سنی ۱۷-۱۵ سال است. بدین ترتیب، می‌توان نتیجه گرفت که در این مؤلفه هم‌پوشی میانگین‌ها بیشتر در دو گروه ۱۴-۱۲ و ۱۷-۱۵ سال قرار دارد.

برای تعیین مراحل تحول اجابت دعا بر اساس فراوانی و درصد پاسخ‌ها، توزیع فراوانی پاسخ‌ها بر اساس طبقه‌های نمره‌گذاری و به تفکیک گروه‌های چهارگانه سنی محاسبه شد (جدول ۵).

جدول (۵) فراوانی و درصد نمره‌های مؤلفه اجابت دعا بر اساس درجه‌بندی داوران

نمره	N	%
۰	۰	۰
۱	۳	۱/۹
۲	۴۲	۲۶/۸
۳	۴۸	۳۰/۶
۴	۶۴	۴۰/۸

نتایج این طبقه‌بندی که بر پایه نمره‌گذاری داوران انجام شد، نشان می‌دهد که هیچ‌یک از آزمودنی‌ها در طبقه پاسخ صفر (پاسخ نمی‌دانم و یا پاسخ‌های مبهم) قرار نگرفته‌اند. از سوی دیگر، بیشترین میزان پاسخ‌ها ($۴۰/۸$) متعلق به نمره چهار (تحلیل‌های مذهبی - عقلانی) است و بیان می‌کند که در مفهوم اجابت دعا بیشتر افراد به مراحل بالاتر تحول دست یافته‌اند. افزون بر این، درصد پاسخ‌های درجه‌بندی‌شده در نمره دو (ویژگی‌های محتوایی دعا) و نمره سه (مفاهیم ارزشی و مذهبی) به ترتیب با ۴۲ و ۴۸ درصد است و فقط سه درصد افراد در طبقه یک (ویژگی‌های دعاکننده) درجه‌بندی شده‌اند. نتایج توزیع فراوانی پاسخ‌های نمره‌گذاری‌شده به تفکیک چهار گروه سنی در (جدول ۶) نشان داده شده است.

جدول (۶) فراوانی و درصد نمره‌های مؤلفه اجابت دعا به تفکیک گروه‌های چهارگانه سنی

گروه سنی	۰		۱		۲		۳		۴		
	%	N	%	n	%	n	%	n	%	n	
۷-۶	-	-	-	۳	۱۲/۰	۲۲	۸۸/۰	-	-	-	
۱۱-۸	-	-	-	-	-	۲۰	۳۸/۵	۲۸	۵۳/۸	۴	۷/۷
۱۴-۱۲	-	-	-	-	-	-	-	۱۹	۵۰/۰	۱۹	۵۰/۰
۱۷-۱۵	-	-	-	-	-	-	-	۱	۲/۴	۴۱	۹۷/۶

بر پایه نتایج (جدول ۶) می‌توان موارد زیر را استخراج کرد:

فقط سه نفر (دوازده درصد) از افراد گروه سنی ۷-۶ سال در طبقه مربوط به نمره یک، یعنی مرحله ویژگی‌های دعاکننده قرار دارند. این درحالی است که ۸۸ درصد کودکان این گروه سنی در طبقه نمره دو (ویژگی‌های محتوایی دعا) قرار گرفته‌اند. بدین ترتیب، می‌توان نتیجه گرفت که تحول اجابت دعا در نمونه مورد مطالعه از مرحله ویژگی‌های محتوایی دعا آغاز می‌شود.

در حدود ۵۴ درصد آزمودنی‌های گروه هشت تا یازده سال در طبقه مفاهیم ارزشی و مذهبی (نمره سه) قرار دارند. با این حال، در حدود ۳۹ درصد آنها در طبقه دوم (ویژگی‌های محتوایی دعا) درجه‌بندی شده‌اند. در این میان، در حدود ۸ درصد نیز به مرحله انتهایی اجابت دعا، یعنی طبقه تحلیل‌های مذهبی - عقلانی، رسیده‌اند.

درصد آزمودنی‌هایی که از گروه سنی ۱۴-۱۲ سال در طبقه سوم (مفاهیم ارزشی و مذهبی) و چهارم (تحلیل‌های مذهبی - عقلانی) قرار گرفته‌اند یک‌سان و برابر با پنجاه درصد است.

تقریباً ۹۸ نوجوانان گروه سنی ۱۷-۱۵ سال در طبقه چهارم (تحلیل‌های مذهبی - عقلانی) اجابت دعا قرار گرفته‌اند و تنها دو درصد در طبقه سوم، یعنی مرحله مفاهیم ارزشی و مذهب درجه‌بندی شده‌اند. بدین ترتیب، می‌توان نتیجه گرفت که در این مؤلفه دستیابی به مرحله پایانی تحول، تقریباً از حدود چهارده سالگی آغاز می‌شود.

بحث و تفسیر

هدف پژوهش پیش‌روی تبیین مراحل تحول فهم اجابت دعا در کودکان و نوجوانان با تکیه بر مفاهیم و متون اسلامی بود. یافته‌ها نشان داد که به‌گونه کلی، مراحل فهم اجابت دعا را می‌توان به پنج مرحله تقسیم کرد و گروه نمونه مطالعه شده که در دامنه سنی بین شش تا هفده سال قرار دارند به چهار گروه بخش‌پذیرند. در مرحله نخست، که بیانگر پاسخ مبهم یا عدم درک این مفهوم بود، هیچ‌یک از آزمودنی‌ها قرار نگرفتند. این مطلب می‌تواند به سبب دامنه سنی گروه نمونه باشد، چنان‌که در برخی پژوهش‌ها (وولی، ۲۰۰۱) که از گروه‌های سنی پایین‌تر برای مطالعه استفاده شده بود، شکل‌گیری مفاهیم دینی دیده نشده بود.

از سوی دیگر، بیشترین فراوانی گروه نمونه به مرحله تحلیل‌های مذهبی - عقلانی قرار داشت. این یافته در مقایسه با مراحل تحول مفاهیم دیگر دینی، مانند فهم دعا، انگیزه دعا و درک خداوند بیانگر آن است که در این مؤلفه برخلاف مؤلفه‌های پیشین بیشتر آزمودنی‌ها به مراحل بالاتر تحول دست یافته‌اند. افزون بر این، میزان پاسخ‌های درجه‌بندی‌شده در طبقه دوم (ویژگی‌های محتوایی دعا) و طبقه پنجم (مفاهیم ارزشی و مذهبی) به ترتیب با ۴۲ و ۴۸ درصد است و فقط سه درصد آزمودنی‌ها در طبقه نخست (ویژگی‌های دعاکننده) درجه‌بندی شده‌اند.

مقایسه این یافته با دیگر مطالعات در این زمینه، بیانگر تفاوت‌های درخور ملاحظه‌ای در دامنه سنی، محتوا و شکل‌گیری مفاهیم دینی است. این مقایسه نشان می‌دهد که معادل مرحله دوم در پژوهش حاضر، که در سنین ۶-۷ سالگی قرار دارد، در پژوهش گلدمن (۱۹۶۴) شامل دامنه سنی پنج تا نزدیک نه سالگی، معادل مرحله سوم (هشت تا یازده سالگی) در پژوهش گلدمن از نه تا دوازده سالگی و معادل مرحله چهارم (دوازده تا چهارده سالگی) در پژوهش گلدمن از دوازده سالگی آغاز می‌شود. وی این سن را آغاز فهم دین و محتوای دینی معرفی کرده است. با وجود این، در پژوهش حاضر از پانزده سالگی به بعد دانش‌آموزان علاوه بر به‌کارگیری مفاهیم دینی می‌توانند استدلال‌های عقلی نیز برای گفته خود بیاورند.

به بیان دیگر، گلدمن (۱۹۶۴) برای مفهوم اجابت دعا سه مرحله مفهوم خلقی که عدم اجابت دعا بر اثر رفتاری بچه‌گانه و شیطانی است و به شیوه نادرست دعا، نسبت داده می‌شود. مرحله دوم مرحله نیمه‌اخلاقی نامیده می‌شود که عدم اجابت دعا را به از روی حرص و طمع، خودخواهانه، مادی‌گرایانه و احمقانه بودن آن نسبت می‌دهد. مرحله سوم مرحله ملاحظات معنوی تر است. گلدمن این مرحله را مرحله فهم معنوی و مذهبی نامیده است. پاسخ‌دهندگان برآورده‌نشده دعا را به تأخیر در اجابت دعا، عدم باور و اعتقاد درست به ذات حق، لازم نبودن، مناسب نبودن، صادقانه نبودن و از روی اعتقاد راسخ نبودن دعا نسبت می‌دهند؛ اما یافته‌های پژوهش پیش‌روی وجود چهار مرحله را در اجابت دعا متمایز می‌سازد و مرحله تحلیل‌های مذهبی و عقلی را بر آن افزوده و به‌عنوان مرحله کامل فهم دینی و ارزشی کانون توجه قرار داده است.

در پژوهش گلدمن (۱۹۶۴) کودکان پنج‌ساله تا نزدیک نه سالگی در مرحله مفهوم خلقی قرار دارند، درحالی‌که در پژوهش حاضر فقط (۱۲ درصد) از افراد گروه سنی شش تا هفت سال در مرحله ویژگی‌های دعاکننده قرار می‌گیرند. به این معنا که کودکان و نوجوانان، برآورده نشدن دعا را کمتر به

ناشیستگی و گناه‌کاری افراد نسبت می‌دهند. احتمالاً سبب این برداشت کودکان و نوجوانان را می‌توان ترویج فرهنگ بخشش، عفو و رحمت خداوند در جامعه اسلامی دانست که معمولاً در خانواده‌های مذهبی و فضاهای آموزشی و به‌طور کلی در تربیت دینی بر آن تأکید می‌شود. همچنین توجه به پاک بودن ذات انسان در فرهنگ و نگاه اسلام می‌تواند در این برداشت نقش داشته باشد.

افزون بر این، نتایج پژوهش حاضر نشان داد که ۸۸ درصد کودکان شش تا هفت ساله در طبقه ویژگی‌های محتوایی دعا قرار گرفته‌اند. بدین ترتیب، می‌توان نتیجه گرفت که تحول اجابت دعا در نمونه مطالعه‌شده از مرحله ویژگی‌های محتوایی دعا آغاز می‌شود. اما گلدمن آزمودنی‌های نه تا دوازده‌ساله را در مرحله نیمه‌خلقی قرار می‌دهد. سرانجام وی معتقد است که مرحله ملاحظات معنوی از دوازده سالگی آغاز می‌شود که آن را سن فهم دین و محتوای دینی معرفی کرده است. این درحالی است که در پژوهش پیش‌روی در حدود ۵۴ درصد آزمودنی‌های گروه هشت تا یازده سال در طبقه مفاهیم ارزشی و مذهبی قرار گرفته‌اند و در حدود ۳۹ درصد در طبقه ویژگی‌های محتوایی دعا درجه‌بندی شده‌اند. در این میان در حدود هشت درصد نیز به مرحله انتهای اجابت دعا، یعنی طبقه تحلیل‌های مذهبی - عقلانی، رسیده‌اند. درصد آزمودنی‌هایی که از گروه سنی دوازده تا چهارده سال در طبقه مفاهیم ارزشی و مذهبی و تحلیل‌های مذهبی - عقلانی قرار گرفته‌اند یک‌سان و برابر با پنجاه درصد است. تقریباً ۹۸ درصد نوجوانان گروه سنی پانزده تا هفده سال در طبقه تحلیل‌های مذهبی - عقلانی جای گرفته‌اند و تنها دو درصد در طبقه مرحله مفاهیم ارزشی و مذهبی درجه‌بندی شده‌اند. بدین ترتیب، می‌توان نتیجه گرفت که در این مؤلفه دستیابی به مرحله پایانی تحول تقریباً از حدود چهارده سالگی آغاز می‌شود. به‌سبب آنکه افزون بر به‌کارگیری مفاهیم دینی، آنان می‌توانند برای گفته‌های خود استدلال‌های عقلی نیز بیاورند، می‌توان این سن را در مؤلفه اجابت دعا سن فهم فلسفه و عرفان دینی نامید.

به‌گونه کلی، فهم رفتارهای دینی کودکان با مجموعه‌ای از فرایندهای یک‌پارچه و متوالی، قاعده‌مند می‌شود. یکی از عمده‌ترین آنها یادگیری اجتماعی به‌ویژه تقلید از والدین، مربیان دینی و همسالان است. این فرایند همراه تحول در خلال توالی مراحل شناختی که بر پایه آن باورهای ساده به‌تدریج پیچیده‌تر می‌شود، رسش فکری را شکل می‌دهد. ترتیب توالی دستیابی به مفاهیم دینی می‌تواند مبتنی بر دیدگاه پیازه (۱۹۶۶) «به‌عنوان شاخص وجود عوامل زیست‌شناختی در فرایند تحول شناختی محسوب شود. عواملی که بی‌تردید تحت تأثیر جامعه قرار نمی‌گیرند» (به نقل از دادستان، ۱۳۶۷، ص ۵۴۷).

با وجود تأیید نتایج پژوهش، یافته‌های آن را باید با احتیاط تفسیر کرد و تعمیم داد؛ زیرا نمونه پژوهش متعلق به شهر قم بوده که از نظر مذهبی در میان شهرهای کشور جایگاه ویژه‌ای دارد و این نتایج می‌تواند متأثر از فرهنگ خاص آن باشد. افزون بر این، دامنه سنی این پژوهش میان شش تا هفده سال است و مراحل تحول در سنین پایین‌تر یا بالاتر را شامل نمی‌شود. به‌طور طبیعی پژوهش‌های تحولی از متغیرهای مختلفی (آموزش‌های رسمی و غیررسمی، هوش و قدرت بیان) اثر می‌پذیرد که کمتر کنترل‌پذیر، یا کنترل آنها مستلزم زمان و هزینه درخور ملاحظه است؛ ازاین‌رو، پیشنهاد می‌شود پژوهشگران در مطالعات آتی به مطالب یادشده توجه کنند.

پیشنهاد‌های کاربردی

۱. در مسیر تربیت اسلامی، افزون بر توجه به یاد خدا و برپایی نماز در مدارس، در مهد کودک‌ها و نهادهای آموزشی و پرورشی و مراکز و نهادهای نظام اسلامی نیز برنامه‌ای برای ایجاد ارتباط با خداوند، به‌ویژه در قالب دعا یا قرائت قرآن طراحی شود.
۲. با توجه به آنچه در بخش قبل گفته شد، لازم است در جهت افزایش همت در انگیزه دعا و رسیدن به دعا‌های ژرف‌تر، برنامه‌ریزی و فرهنگ‌سازی شود. افزون بر این، چه‌بسا فراوانی این دعاها حاکی از این باشد که در برنامه بهداشت و سلامت ملی باید گام‌هایی نو و مهم‌تری برداشته شود.
۳. برای ترویج و آموزش دعا به‌ویژه درک درست از اجابت دعا آموزش‌های لازم در قالب (کتاب، فیلم، تک‌نگاره) به مربیان و متریان داده شود تا روح امید به فضل الهی و رسیدن به کرامت نفسانی در زندگی آنان رخ بنماید.

منابع

- نهج البلاغه** (۱۳۷۳)، ترجمه سیدجعفر شهیدی، تهران، انتشارات آموزش انقلاب اسلامی.
- ابن ابی‌الحدید، عبدالحمید (۱۴۰۴ ق)، **شرح نهج البلاغه**، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- جمعی از نویسندگان (۱۳۸۲)، **همایش بین‌المللی نقش دین در بهداشت روان**، قم، معارف.
- حرعاملی، محمدبن حسن (بی‌تا)، **وسائل الشیعه**، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی.
- قرشی، علی‌اکبر (۱۳۶۱)، **قاموس القرآن**، تهران، دارالکتاب الاسلامی.
- قمی، عباس (۱۳۷۸)، **مفاتیح‌الجنان**، قم، فاطمه الزهرا.
- کلینی، محمدبن یعقوب (۱۳۳۵)، **الکافی**، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- ممدوحی، حسن (۱۳۸۱)، **شهود و شناخت، شرحی بر دعا‌های صحیفه سجاده**، قم، مؤسسه فرهنگی سماء.
- موسوی نسب، سیدمحمدرضاء، «مراحل تحول محتوا و انگیزه‌های دعا در کودکان و نوجوانان» (تابستان ۱۳۹۰)، **روان‌شناسی و دین**، ش ۱۴، ص ۵-۲۶.
- نوذری، محمد (۱۳۸۸)، **توصیف و ارزیابی رویکرد شناختی رشد دینی**، همایش تربیت دینی در جامعه اسلامی معاصر، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- Goldman, R. G (1964), *Religious Thinking from Childhood to Adolescence*. London, Rutledge and Kegan Paul.
- Goldman, R. G (1964), "Religious thinking from Childhood to Adolescence", *American Journal of Sociology*, N. 50, p. 112-122
- Long, D., Elkind, D. & Splika, B. (1967), "The Childs Conception of Prayer", *Journal for the Scientific Study of Religion*, N. 6, 101-109.
- Walesa C (2006), "Rozwój religijności w młodości" (The religious development of adolescents), *Encyklopedia Katolicka* [Catholic Encyclopedia] Lublin: Towarzystwo Naukowe KUL. p. 1424-1430.
- Woolley, J. D., & Phelps, K. E. (2001), "The development of children's beliefs about prayer", *Journal of Cognition and Culture*, N. 1, p. 139-167.